

تاریخ دریافت : ۱۳۹۶/۰۲/۲۷

تاریخ پذیرش : ۱۳۹۶/۰۴/۲۷

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز تحت عنوان :
A Study of the Representation of Individual and Collective Trauma Resulting
Presenting a Conceptual Model for Place Meaning and Continuity Indexes
(Interpretative Phenomenological Analysis of Lived Experiences)
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

ارایه مدل مفهومی معنای مکان و شاخص‌های تداوم آن* (تحلیل پدیدارشناسانه تفسیری تجربیات زیسته افراد)

مهران علی‌الحسابی**

راضیه رضازاده***

نصیبه چربگو****

چکیده

هر عصری هویت خود را دارد، اما آنجا که گسست روی می‌دهد بحران رخ می‌نماید. به نظر می‌رسد تجلی و تداوم معنا در محیط، راه حل پاسخ به بحران عدم بازیابی خود در شهرها در عصر امروز است. بنابراین، امروزه پرداختن به این سؤال ضروری به نظر می‌رسد که در شرایط تغییرات گسترده در شهرها، ادراک تداوم معنا به واسطه کدام مؤلفه‌ها و با چه اولویت‌هایی ممکن می‌شود؟ به عبارتی، این نوشتار به دنبال پاسخگویی به بحران گسست معنا در محیط، چارچوب مفهومی معنای مکان و شاخص‌های تداوم آن را ارایه داده است که می‌تواند راهنمایی در اولویت‌های معنای مکان و جریان پیوسته آن باشد. به این منظور، ابتدا ادبیات مرتبط با مکان، معنای مکان و یکی از مهم‌ترین اصول حاکم بر معنای مکان یعنی تداوم مرور شده، سپس چارچوب مفهومی پژوهش تبیین شده است. در چارچوب مفهومی، ضمن ارایه مدل مفهومی برگزیده از معنای مکان، شاخص‌های اولیه تداوم معنا نیز ارایه شد که تکمیل و تدقیق آنها در ادامه پژوهش میدانی مد نظر بوده است. روش این پژوهش در تبیین و تکمیل شاخص‌های تداوم معنا، روش کیفی است. رویکرد منتخب در مطالعه معنا، نشانه‌شناسی با دورنمایی از پدیدارشناسی است که به مرور تجربیات زیسته افراد می‌پردازد. با توجه به این موارد، در بخش تحلیل نیز رویکرد پدیدارشناسی تفسیری مد نظر بوده است. در پایان با توجه به هدف تحقیق که دستیابی به شاخص‌های تداوم معنا در مکان است، جمع‌بندی از یافته‌ها صورت گرفته است. یافته‌ها حاکی از آن است که تداوم یک پدیده منوط به حضور همزمان دو کیفیت پویایی و ثبات در آن پدیده است. به عبارتی ثبات در جایگاه و روابط بین اجزاء و پویایی در خود اجزاء پدیده مورد نظر در ادراک تداوم واجد اهمیت است. به علاوه، در تداوم معنای مکان ثبات روابط بین اجزاء و مؤلفه‌های مکان از اهمیت بیشتری نسبت به ثبات اجزاء مکان برخوردارند. همچنین تحلیل دقیق تجربیات زیسته نشان داد، در روابط بین اجزاء مکان نیز رابطه دو جزء انسان و فضا واجد بیشترین اشاره‌های معنایی و ماندگاری ذهنی بوده است.

واژگان کلیدی

مکان، معنا، تداوم، تجربه زیسته، مشهد.

*. مقاله بر گرفته از بخشی از رساله دکتری نصیبه چربگو به راهنمایی آقای دکتر مهران علی‌الحسابی و سرکارخانم دکتر راضیه رضازاده است که در دانشکده معماری دانشگاه علم و صنعت ایران ارایه شده است.

** دکتری شهرسازی. دانشیار گروه شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران. نویسنده مسئول: ۹۱۲۱۱۲۳۷۹۹. Alalhesabi@iust.ac.ir

*** دکتری شهرسازی. دانشیار گروه شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران. Rrezazadeh@iust.ac.ir

**** پژوهشگر دوره دکتری شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران. N_Chargoo@iust.ac.ir

مقدمه

مکان در ادراک معنا تأکید می‌کنند. نشانه‌شناسان با گذر از این رویکرد و مواجهه با معنا به منظور رخدادگی و تأکید بر نقش مخاطب در ادراک معنا، بر شناسایی فرایندهای معنایی دارند. در این حوزه، تداوم معنا به ویژه در نشانه‌شناسی متون ادبی مورد توجه بوده است.

سؤالات تحقیق

پژوهش حاضر، تداوم معنای مکان را به عنوان دغدغه اصلی مورد بررسی قرار می‌دهد و به دنبال پاسخگویی به این سؤال مشخص است که کدام شاخص‌ها و مؤلفه‌های معنایی مکان، با چه اولویتی ادراک تداوم معنا را به دنبال داشته‌اند؟

روش تحقیق

با هدف تبیین شاخص‌های تداوم معنای مکان، در این مقاله ابتدا رویکردهای مختلف نسبت به مکان و معنای آن به طور مختصر بررسی شده و سپس چارچوب مفهومی این پژوهش تبیین می‌شود. در ادامه، بر مبنای چارچوب ارائه شده و با توجه به روش پیشنهادی که در بخش مطالعه معنا، نشانه‌شناسی با رویکرد پدیدارشناسانه و در بخش تحلیل پدیدارشناسی تفسیری^۲ است، تجارب زیسته در مرکز شهر مشهد مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

مبانی نظری

• مکان، چیستی معنی مکان و اصول حاکم

یکی از پراگماتیک‌ترین مدل‌های ارائه شده از مفهوم مکان تاکنون مدل کانتر بوده است. طبق مدل کانتر مکان از فرم، فعالیت و معنی تشکیل شده است و دارای سه بعد کالبدی، عملکردی و ادراکی - شناختی است (Canter, 1977).

رلف به عنوان یک پدیدارشناس، مکان را متشکل از محیط طبیعی و مصنوع در کنار اعمال انسانی و معانی می‌داند که تجربه آن می‌تواند در مقیاس‌های مختلف روی دهد (Relph 1976). کرمونا نیز در مدل پیشنهادی خود مکان را برآیند سه عامل فرم، فعالیت و تصور فردی می‌داند که در رابطه تعاملی منجر به شکل‌گیری مکان می‌شوند (کارمونا، هیت و تیسدل ۱۳۸۶). کرسول نیز مکان را ترکیبی از ماده، معنی و عمل می‌داند (Cresswell, 2009:170). به نظر می‌رسد در هر دو مدل مکان اتصال شخص با فعالیت و عملکردهایی است که از نظر جغرافیایی مکان‌مند هستند (Ghavampour, Vale & Aguila, 2015). این پدیده از سطح شخصی آغاز می‌شود و تا سطح مرتبط با تجربیات زیسته وسعت می‌یابد.

با مرور خلاصه مفهوم و مدل‌های مکان، تمرکز بر رویکردهای معرفت‌شناسانه معنای مکان به عنوان یکی از اجزای اغلب مدل‌ها مورد توجه است.

ناب‌گرایی و ساده‌سازی، گریز برداری از درون و بیرون و موضوعاتی از این قبیل، بدون توجه به زمینه طراحی و همچنین ظهور عصر اطلاعات و پدیده‌هایی چون جهانی شدن، سرعت و کثرت اطلاعات، ارمغانی جز انقطاع جریان پیوسته معنا در محیط نداشته است. به نظر می‌رسد، در راستای دستیابی به تداوم و جریان پیوسته در بعد معنایی مکان، می‌بایست جنبه‌های آرام‌تر مکان شناسایی شوند.

در واقع، با وجود اینکه شهر به‌طور پیوسته و مداوم در حال تغییر است، نرخ تغییر عناصر آن متفاوت است کرمونا معتقد است به همین دلیل اصالت و هویت آن حفظ شده و حس مکان، ثبات شخصیت و هویت مکان واجد اهمیت است. به عقیده لفره، در پاسخ به بحران‌هایی از قبیل گسست معنا و هویت می‌بایست بر جنبه‌های مانای زندگی مدرن تأکید شود. قابل ذکر است تاکنون، پژوهش‌های مرتبط اغلب بر معرفی محتوی و مؤلفه‌های معنا متمرکز بوده‌اند، بنابراین پژوهش حاضر به دلیل کمبود نظریه‌های اثباتی در زمینه تداوم معنا ضرورت می‌یابد. از طرف دیگر لزوم پرداختن به این موضوع با توجه به وقوع تغییرات گسترده در بخش مرکزی شهر مشهد و مواجهه با بحران عدم بازیابی خود در این مکان آشکارتر می‌شود.

پیشینه تحقیق

در حوزه مطالعات شهری پژوهش‌های اندکی به طور مشخص به تداوم معنای مکان پرداخته‌اند. اگرچه در سایر علوم از جمله روان‌شناسی و زبان‌شناسی مفهوم تداوم بیشتر مورد توجه بوده است. به عنوان مثال، ادوارد هال در مقاله خود با عنوان "تداوم پدیده‌ها: کل مفهومی بیش از مجموعه اجزا" به این مفهوم پرداخته است. به علاوه در حوزه زبان‌شناسی نیز تداوم معنا در متون مختلف ادبی مورد جستجو بوده است. در این زمینه می‌توان به پژوهش‌های «شعیری» اشاره داشت. به طور مشخص در حوزه شهرسازی و معماری نیز پژوهش‌های اندکی اغلب در ارتباط با مفهوم جاودانگی در آثار معماری و یا منظر شهری صورت گرفته است. به طور مثال پژوهش دیلان تریگ^۱ و نقره‌کار و همکارانش از این دست هستند. اگرچه تدوین معیارهای تداوم معنا به طور دقیق کمتر مورد توجه بوده است.

به طور کلی، به نظر می‌رسد روان‌شناسان محیطی متقدم نظیر لینچ (۱۳۷۲)، بیشتر بر فرم کالبدی تأکید داشتند، در حالی که پس از ایشان نظریه‌پردازان این حوزه و سایر اندیشمندان به این حقیقت تأکید دارند که این جنبه برای یک مکان با هویت قوی کافی نیست. در کنار روان‌شناسان، پدیدارشناسانی چون رلف و شولتز (۱۳۸۲) بر اهمیت تجربه

می‌شود (Goustafson, 2000)؛ (راپاپورت، ۱۳۹۱). تداوم نیز از اصولی است که اکثر نظریه‌پردازان این حوزه همچون گوستافسون آن را مورد توجه قرار داده‌اند. در جمع‌بندی از مرور نظریه‌های مختلف به نظر می‌رسد سه اصل تمایز، ارتباط و تداوم اصول حاکم بر محتوای معنای مکان را شکل دهند که بر سر آنها توافق نسبی وجود دارد (علی‌الحسابی و چربگو، ۱۳۹۴). این اصول فارغ از ارزش مثبت یا منفی حاکم بفرایندهای ادراک معنا هستند. تمایز پیش شرط لازم در ادارک معنا بوده و معنا را بدون ارتباط نمی‌توان متصور بود. این در حالی است که اصل تداوم از یک سو در مقابل گسست اهمیت یافته و از سوی دیگر به واسطه داشتن جنس زمان، حفظ اصالت و هویت را در بستر زمان در بر می‌گیرد. به این مفهوم که معانی به این منظور که در گذر زمان قابل ارجاع به ذهن باشند می‌بایست براساس معانی مشترک آشنا که در طی زمان مداوم بوده‌اند، شکل گیرند. بنابراین، در ادامه تداوم معنا مورد بررسی دقیق‌تر قرار خواهد گرفت.

• تداوم؛ اصل حاکم بر معنای مکان

منظور از تداوم در زبان فارسی، ماندگاری و جاودانگی آن در طول زمان است. در لاتین معادل نامیرایی^۴ و ادامه‌دار بودن^۵ است. به نظر می‌رسد واژه ماندگاری بیشتر بر جنبه فیزیکی اثر و مقاومت کالبدی آن در مقابل فرسایش ناشی از گذشت زمان دلالت دارد در حالی که جاویدان بر مانایی و اثربخشی دلالت دارد (نقره‌کار، مهدی زاده و فروزنده، ۱۳۸۸).

از طرفی، پدیده‌های پایدار از نظر فضایی-زمانی و همچنین از نظر خصوصیات کیفی متداوم هستند. روان‌شناسان معتقدند این خصوصیات کیفی از قبیل جایگاه و ویژگی‌هایی نظیر رنگ، بافت و ... هستند (Hall, 1998: 29). اگرچه پدیده‌ها ممکن است دستخوش تغییراتی شوند، اما همچنان متداوم و پایدار باقی بمانند. به طور مثال تغییر یک درخت بر اثر رشد شاخه‌های جدید و تغییر شکل دادن آنها به مفهوم متداوم و پایدار نبودن درخت نیست (Ibid: 30-31). در واقع، حفظ تمامیت به معنی ادامه وضعیت همزیستی اجزای آن از طریق برقراری تعادل بین خودپایداری و تغییرات خلاقانه است. به عبارتی تداوم به مفهوم ثبات و پویایی همزمان است. این تغییرپذیری در طول زمان نکته کلیدی در ارتباط با عناصر ماندگار است. در واقع، ماندگاری به معنی تغییرپذیری است به‌صورتی که تغییرات آن بسیار زیاد و قابل توجه نباشد (کرمونا، ۱۳۸۸: ۴۰۷). بنابراین دیرپایی زمانی نیز در بحث ثبات و در کنار تغییر پذیری قابل توجه است.

به نظر می‌رسد یکی از روندهای خلاقانه پویا که تداوم را در پی خواهد داشت ارزشیابی و نشانه‌گذاری قدسی در شهر است که سبب بازتولید و یا حذف و زوال بارهای معنایی

برخی، مهم‌ترین رکن ادراک معنای مکان را تجربه می‌دانند. نوربرگ شولتر روح مکان را جوهره ارتباطی انسان و مکان دانسته است (شولتر، ۱۳۸۲). گوستافسون سه پایه اصلی را برای طبقه‌بندی معنی معرفی می‌کند؛ خود، محیط و دیگران. البته ارتباط بین این سه مفهوم را نیز در نظر می‌گیرد. به علاوه، لایه‌های زیرین معنا را معرفی می‌کند (Gustafson, 2000). از دیدگاه روان‌شناسان محیطی این مفهوم با جنبه‌های شناختی رابطه فرد و محیط مرتبط است و در عین حال چیزی بیش از شناخت در رابطه متقابل با تجربه است. روان‌شناسانی چون گیبسون و راپاپورت سطوح مختلفی برای معنا بر می‌شمارند از معانی آنی و ابتدایی تا معنای نمادین (Gibson, 1950)؛ (راپاپورت، ۱۳۹۱: ۱۸). راپاپورت سازماندهی محیط را منوط به سازماندهی چهار عنصر فضا، زمان، ارتباطات و معنی می‌داند و به طور کلی آن را معادل یک سری ارتباطات تلقی می‌کند و معنی را ارتباط محیط با مردم می‌داند (راپاپورت ۱۳۹۱: ۲۱۱). علاوه بر راپاپورت، روان‌شناسان و فلاسفه طی سال‌های متوالی، معنی را برابر با ارتباط خوانده‌اند.

علاوه بر دو رویکرد طرح شده، نشانه‌شناسی به بازشناخت رمزگان می‌پردازد (بابک معین، ۱۳۹۴: ۳۵). در همین راستا، اکو^۳ در طبقه‌بندی معانی محیط به دو سطح از معانی محیط به صورت «صریح» و «ضمنی» اشاره دارد (Eco, 1968). در دهه ۸۰ میلادی، با مطرح شدن مواردی چون تن، ادراک، حس و حضور با اختیار کردن دورنمایی از پدیدارشناختی متحول می‌شود. در این رویکرد "فهمیدن" معنا از داده‌های آشکار متنی یا غیر متنی مد نظر است (بابک معین، ۱۳۹۴: ۵۶-۳۶). بنابر این موارد به نظر می‌رسد بر سر چپستی معنای دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد که در کنار نقاط افتراق، اشتراکاتی را نیز در بر می‌گیرند.

همان‌طور که مرور شد، علاوه بر رویکردها نسبت به چپستی معنا، به‌طور مشخص گوستافسون، راپاپورت و سایرین ایده‌هایی در ارتباط با مؤلفه‌های شکل‌دهنده معنی مکان ارائه داده‌اند. در این نوشتار نگارنده از برآیند مرور ادبیات طرح شده، برای معنی سلسله مراتب قائل شده است که در سطوح عالی بروز آن از ارتباط متقابل فرد با محیط کالبدی، فرهنگی، تاریخی و ارزشی و به صورت فرایندی از تعبیر اجتماعی منتج می‌شود. در پایین‌ترین سطح معنی از کاربرد اشیاء برای افراد با توجه به مقاصد آنها تعریف می‌شود.

بررسی آرای نظریه پردازان همچون راپاپورت (۱۳۹۱) نشان می‌دهد که آنان تمایز را مؤلفه لازم برای ادراک معنایی ابتدایی یا کارکرد دانسته‌اند. ارتباطات و عمل اجتماعی نیز یکی از عوامل بسیار تأثیرگذار در کیفیت هویت و معنا است و منجر به خلق توافق جمعی در ارتباط با تصاویر ذهنی و معانی

شکل می‌دهند (نمودار ۱ گراف سمت چپ). انسان در تلاش برای تسلط بر زمان، رویدادها، معانی، خاطرات و ... را شکل می‌دهد، در تلاش برای تسلط بر بی‌کرائگی فضا نیز فرم‌های کالبدی تعریف کننده و محصور کننده فضا را شکل می‌دهد، فضا و زمان نیز در یک ارتباط مداوم تعریف می‌شوند و بدین ترتیب از این سه رأس و ارتباطات آنها که معادل معنی تلقی می‌شود، مکان شکل می‌گیرد. در همین راستا، اندیشمند پدیدارشناس، دیوید سیمون بیان داشته است؛ مکان محیطی است که تجارب، اعمال و معانی انسانی را هم از حیث فضایی و هم زمانی جمع‌آوری می‌کند (Seamon, 2014). در میان مؤلفه‌های معنا، نشان مشترکی از سه اصل تمایز، تداوم و ارتباط است که در دایره‌ای محاط در مدل مکان نشان داده شده است. در ادامه، چارچوب مفهومی در ارتباط با تداوم که اصل مورد تأکید این مقاله بوده است، تبیین می‌شود و در نهایت پس از مطالعه میدانی مؤلفه‌ها و شاخص‌های شکل دهنده آن تکمیل می‌شوند.

دو فرض وجود دارد که تداوم (۱) ناشی از تکرار اجزا در کلیتی جدید است یا (۲) ناشی از تحول اجزا در همان روابط قدیم است. این روابط یک سری کلیات روانی هستند که در یک فرایند ذهنی ادراک درک می‌شوند (Hall, 1998: 30-31). با توجه به اینکه که روابط یا «تم ناپیدا»^۱ بین معنا و ماده ارتباط برقرار می‌کند به نظر می‌رسد فرضیه دوم با قوت بیشتری تأیید شود.

بر این مبنا و ادبیات مرور شده پیرامون مفهوم تداوم، در واقع، تداوم به مفهوم ثبات و پویایی همزمان است. پویایی نکته کلیدی در ارتباط با عناصر ماندگار است و به این معنی است که سیر تحولات پیوسته بوده و قابل توجه نباشد. ثبات نیز طبق فرضیات حال از حیث روابط، جایگاه و سایر ویژگی‌های کیفی در راستای برقراری تداوم اهمیت می‌یابد (Hall, 1998). بنابراین، دیرپایی زمانی کیفیت‌ها نیز در بحث ثبات و در کنار تغییر پذیری قابل توجه است. براساس موارد فوق و

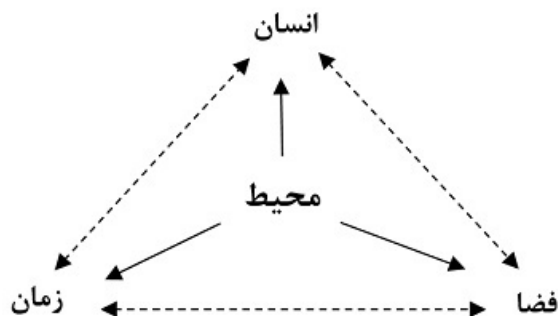
در طول زمان می‌شود (فکوهی، ۱۳۸۶: ۲۴۴). در حوزه زبان‌شناسی نیز معتقدند، تداوم مدیون اندیشه‌هایی است که نشانه-معناها را امری تعاملی و جریانی باز دانسته‌اند و ارزش را ضامن این بازتولید می‌داند (شعیری و آریانا، ۱۳۹۰: ۱۶۳). علاوه بر این، در ارتباط با تداوم مدلول مکان، بیان داشته‌اند، بخش‌هایی از شهر که در طول زمان برجامی مانند حس پیوستگی و استمرار در مکان را ایجاد می‌کنند (کرمونا، ۱۳۸۸: ۳۹۸). برخی معتقدند این پیوستگی و استمرار نیاز به متصل کردن زمان با مکان دارد (Trigg, 2014: 93). که این مهم به واسطه عملکردهای حافظه و ذهن ممکن می‌شود (Casey, 2004: 42). در واقع، اهمیت ذهن نیز در ادراک معنی تا حدی است که روان‌شناسان تصویرسازی ذهن انسان را معادل معنی‌سازی می‌دانند (Martsin, 2012). با توجه به این موارد، به نظر می‌رسد با مطالعه ماندگاری ذهنی، معانی تداوم یافته آشکار می‌شوند.

تبیین چارچوب مفهومی

● ارایه مدل مفهومی مکان، معنا و شاخص‌های تداوم

بر مبنای مرور نظریات، در این پژوهش، مکان در قالب یک سه وجهی مدل‌سازی شده است. با توجه به نظریه راپاپورت مبنی بر تشکیل شدن محیط از فضا، زمان، معنی و ارتباطات و همچنین تعریف ارایه شده از معنی و ارتباطات، و نظر سایر اندیشمندان حوزه جغرافیای شهری، مبنی بر فضایی-زمانی و اجتماعی بودن مکان، سه‌گانه فضا، زمان و انسان رئوس مدل پیشنهادی مکان را شکل داده‌اند. در مدل پیشنهادی، علاوه بر رئوس، ارتباط آنها نیز مهم است (نمودار ۱).

در واقع، محیط متشکل از فضا، زمان و انسان است و سایر موارد در زیر این سه مورد یا در روابط بین آنها قابل دسته‌بندی هستند. چنانچه سه جزء فضا، زمان، انسان و روابط آنها که محیط از آنها تشکیل شده است (نمودار ۱ گراف سمت راست)، در رابطه متقابل و پویا با یکدیگر قرار گیرند مکان را



نمودار ۱. مدل رابطه سه گانه فضا، زمان و انسان در ساخت مکان. مأخذ: نگارندگان.

محورهای مصاحبه؛ یعنی تجربیات زیسته پیرامون سه دسته کلی آیین‌ها، رویدادهای بومی و عادات فضایی جمعی بوده است.

با توجه به اینکه در فرایند تحقیق، سنجش کل آزمودنی‌ها میسر نیست تکنیک انتخاب مشارکت‌کنندگان، آگاهانه و متوالی است (محمدپور، ۱۳۹۲). معیارهای سابقه سکونت و پراکنش نیز در هر ۴ قطاع منطقه ثامن مشهد مورد توجه بوده‌اند.

بنابر معیار افزونگی^۱ در نمونه‌گیری آگاهانه، حجم نمونه آنجا که اطلاعات جدیدی حاصل نمی‌شود یا داده‌ها تکرار می‌شوند، نمونه‌گیری پایان می‌یابد (Patton, 2002: 246). در تعداد زیادی از پژوهش‌های کیفی، تعداد نمونه مطالعات کیفی انجام شده بین ۱۰ تا ۳۰ نفر بوده (ظهور و کریمی، ۱۳۸۲) و کرسول حجم نمونه در مطالعه پدیدارشناسانه را بین ۵ تا ۲۵ نفر بیان داشته (Creswell, 1998) که این موارد نیز در جریان مصاحبه مورد توجه بوده است. در این پژوهش پس از ۲۱ مصاحبه تعدادی مصاحبه دیگر تکرار شد که نتیجه اشباع را تأیید کرد.

بحث و یافته‌ها

● تحلیل پدیدارشناسانه تجربیات زیسته افراد به منظور

شناسایی شاخص‌های تداوم معنا

در این بخش، به تحلیل پدیدارشناسانه تجربیات زیسته افراد با هدف استخراج معانی متداوم از آنها پرداخته می‌شود. به منظور تشریح روند تحلیل، بخشی از یک نمونه مصاحبه و تحلیل آن در جدول ۲ ارائه شده است.

«.....مثلا در همین سرا در ایام فاطمیه ده روزه بود که سرا از خانم و آقا پر بود با وجود کوچکی شهر. و سالی هم مرحوم کافی منبر می‌رفتند که انجمن تجمعاتی جز در راهپیمایی‌های امروز ۱/..... آقای عابد رازده مهدیه مشهد را پشت باغ نادری تأسیس کرده بود و بعد از آن چندین مجتمع دیگر به نام ۱۴ معصوم در جاهای مختلف. جشن‌های شعبانیه به مدت ۱۵ شب به ویژه در مهدیه برگزار می‌شد/۲. زحمت زیادی می‌کشیدند برای تزیین با امکانات آن زمان حتی در ایام سرد بخاری‌های کنده‌ای بزرگ می‌گذاشتند و حدود نیمی از جمعیت مشهد به این مراسم می‌آمدند/۳...»

همانطور که در متن پیاده شده مصاحبه مشخص است، نخست، بخش‌هایی که حاوی معنا بوده‌اند کدگذاری شده‌اند. این کدها در قالب تجربیات زیسته در جدولی مانند جدول ۲ که برای تمامی مصاحبه‌ها به تفکیک تهیه شد، آورده شد. در مرحله بعد که استخراج معانی مد نظر بوده است ابتدا تعیین شد معنای پنهان در تجربه زیسته براساس کدامیک از شاخص‌های توصیفی، زبانی و مفهومی منتقل شده است.

ادبیات نظری مرور شده جدول ابعاد تداوم معنا به صورت زیر استخراج می‌شود (جدول ۱).

روش تحقیق

در کنار عوامل و مؤلفه‌های مختلف شکل‌دهنده معنا، روش‌های کمی و کیفی متعددی برای مطالعه معنا پیشنهاد

جدول ۱. ابعاد و شاخص‌های حاکم بر تداوم معنای مکان. مأخذ: نگارندگان.

روش	ابعاد	
	ثبات	مؤلفه‌ها
		روابط
		جایگاه
پویایی	دیرپایی زمانی	
	اجزاء	

شده‌اند که روش‌های کیفی بیشتر مورد توجه بوده‌اند. از آن میان، نخست استفاده از مدل‌های زبان‌شناختی (نشانه-معناشناسی) دوم، روش‌های متکی بر مطالعه نمادها و سوم نیز استفاده از مدل‌های ارتباط غیر کلامی بیشتر متداولند (راپاپورت، ۱۳۹۱: ۴۳).

کاربست هر یک از این روش‌ها با نقدهایی همراه است. معناشناسی در مطالعه محیط از این جهت قابل نقد است که امتیاز عملی و علمی آن ناچیز است زیرا هر چیزی می‌تواند یک نشانه باشد (راپاپورت، ۱۳۹۱: ۴۴). اشکال دیگر این رویکرد دور بودن از تأثیرات عملی بر رفتار و ترجیحات افراد است. رویکرد نمادشناسی، به علت یکسان نبودن نمادها در همه فرهنگ‌ها و کلی بودن تعریف نمادها انتزاعی و بسیار پیچیده است. در رویکرد ارتباط غیر کلامی، در اساس روش‌های موشکافانه مد نظر است که افراد آنها را تعیین می‌کنند (همان: ۶۰-۵۶).

برخی معتقدند نمی‌توان نگاهی صرف زبان‌شناختی و ساختارگرایی به پدیدارهای غیرزبانی داشت (Chandler, 2007). از این روست که در دوره متاخر گذار از نشانه‌شناسی به نشانه‌شناسی با رویکرد پدیدارشناختی مطرح می‌شود و معنای محیط نیز به عنوان تجربه زیسته^۲ تصور می‌شود (بابک معین، ۱۳۹۴). منظور از تجارب زیسته مجموعه‌ای از سازمان‌های زمانی و فضایی است که با آگاهی بی‌واسطه ما از زندگی مرتبط بوده و در نمودهایی که جایگاهشان حافظه و ذهن انسان است تجسم می‌یابند (Barkley & Kruger, 2013; 2008).

با توجه به موضوع پژوهش در این نوشتار، روش مطالعه معنا کیفی بوده و بهره‌گیری از رویکرد اخیر مطرح شده- نشانه‌شناسی با دورنمایی از پدیدارشناسی- مد نظر است. معنای یک مکان شهری اغلب پیرامون جمع شکل می‌یابد. بنابراین در این نوشتار، تکنیک مصاحبه عمیق پیرامون

● تحلیل یکپارچه یافته‌ها

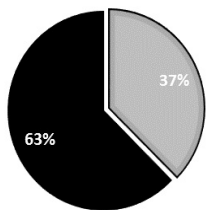
تحلیل براساس کیفیت‌ها و ابعاد حاکم بر تداوم معنای مکان - پس از تکمیل شاخص‌ها در قالب جدول ۳، به بازنگری متون مصاحبه‌ها و تحلیل دوباره آنها پرداخته شد (نمودار ۲)، با بررسی تمامی مصاحبه‌ها تواتر معانی اشاره شده نیز قابل دستیابی بود. به واقع، به منظور مقایسه کیفی و اولویت‌سنجی شاخص‌های تداوم معنا، میزان موارد اشاره شده به هر شاخص در کلیه مصاحبه‌ها مورد شمارش قرار گرفت تا نمایش و ادراک نتایج مقایسه کیفی راحت‌تر شود. قابل ذکر است به هیچ وجه میزان و تعداد اشاره‌ها به صورت صرف مد نظر نبوده و تنها برای مقایسه وزن شاخص‌ها نسبت به هم ارایه شده است.

سپس مثبت یا منفی بودن جهت گفتمان تعیین شد و در نهایت در بخش یادداشت‌های توصیفی پژوهشگر، واحد معنایی مورد نظر خلاصه شد. در دو ستون آخر بر مبنای مراحل قبل و براساس همگرایی و واگرایی واحدهای معنایی انتزاع دسته‌های بزرگتر معنا در قالب مقوله‌ها مورد نظر بوده است.

بر این مبناء، از تحلیل تمامی مصاحبه‌ها، اشاره‌های معنایی تداوم یافته استخراج شده و مقوله‌های بزرگتر از آنها انتزاع می‌شود. نتیجه این بخش، صرف‌نظر از میزان و تعداد اشاره‌های معنایی به یک مقوله خاص، مقوله‌ها را در قالب شاخص‌های معنایی تداوم یافته در اختیار قرار می‌دهد که در ادامه به آن اشاره می‌شود. قابل ذکر است شمارش تواتر

جدول ۲. سیر از تجربه زیسته به معانی و شاخص‌های تداوم معنا. مأخذ: نگارندگان.

کیفیت مجموع اشاره‌های معنایی تداوم یافته ذهنی



■ ثبات روایت ■ پویایی اجزاء و ویژگی‌ها

نمودار ۲. مجموع اشاره‌های معنایی تداوم یافته ذهنی مرتبط با ثبات در روابط و پویایی در اجزاء. مأخذ: نگارندگان.

کد	تجربه زیسته	یادداشت‌های توصیفی پژوهشگر برآمده از معنایی			مقوله‌ها	معنایی تعبیر شده
		شاخص	جهت	خلاصه سازی واحدهای معنایی		
۱	همین سرا ... از خانم و آقا پر ... انجمن جمع‌آوری جز در راهپیمایی های امروز ندیدم	توصیفی	+	استقبال مردم از رویدادها	استقبال و رویداد در مکان خاص	حضور و فعالیت‌های ویژه در مکان خاص
۲	آقای عابد رانده مهدیه مشهد را پشت باغ ... بعد از آن چندین مجتمع دیگر به نام ۱۴ معصوم ...	مفهومی	+	به یاد ماندن روایت پشت نامگذاری	کاربست روایت در ساخت و نامگذاری مکان	کاربست مفاهیم و روایت‌ها در ساخت و نامگذاری مکان
۳	زحمت زیادی می‌کشیدند برای تزیین ... حتی در ایام سرد بخاری های کنده ای بزرگ می‌گذاشتند	توصیفی	+	تزیین در مناسبت‌ها	بروز رویدادها در کالبد مکان	بروز رویدادها در کالبد مکان

بر این اساس، در اولین قدم داده‌های مرتبط با دسته‌بندی ابعاد کلی شاخص‌های تداوم ارایه شد. این کیفیت‌ها و ابعاد کلی عبارت از پویایی در اجزاء فضا، زمان و انسان و ثبات در روابط مابین این اجزاء هستند. همانطور که در نمودار زیر قابل مشاهده است، مجموع اشاره‌های معنایی مرتبط با ثبات در روابط بیش از پویایی اجزاء در ذهن افراد تداوم داشته‌اند. این موارد همان «تم‌های ناپیدا» هستند که حال به آن اشاره کرده است و باعث می‌شوند کل چیزی بیش از مجموعه اجزاء درک شود.

چنانچه تداوم عینی این کیفیت‌ها در نظر گرفته شوند (نمودار ۳) پویایی اجزاء و ویژگی‌ها بیش از ثبات روابط متداوم بوده است. این مورد، از یک‌سو نشان‌دهنده تداوم نیافتن عینی روابط و گسیخته‌شدن تداوم معنا در این بافت است. زیرا همانطور که گفته شد روابط به عنوان «تم‌های ناپیدا» اهمیت زیادی در ادراک تداوم یک پدیده دارند. از

کدهای معنایی به تفکیک مقولات صورت گرفته است که در تحلیل‌های بعدی مورد ارجاع خواهند بود.

● تدوین و تکمیل شاخص‌های تداوم معنای مکان

از جمع‌بندی و تحلیل پدیدارشناسانه تفسیری تجربیات زیسته افراد و همگرایی و واگرایی معنایی تعبیر شده همچنین مد نظر قرار دادن مفهوم تداوم، شاخص‌های معنایی تداوم یافته به صورت زیر تکمیل می‌شود. نسخه ابتدایی ابعاد و مؤلفه‌های تداوم در بخش چارچوب نظری ارایه شد که در این قسمت با استفاده از تحلیل مصاحبه‌های کیفی و استخراج معنایی تداوم یافته، تکمیل شده است. قابل ذکر است به منظور اعتبار سنجی این بخش، تمامی کدهای معنایی و معنایی تعبیر شده نخست با گروهی ده نفر از متخصصین - دانشجویان دوره دکتری شهرسازی - چک شد تا تعابیر شخصی و متعصبانه مورد پالایش قرار گیرد و راه ورود تعابیر بیشتر باز باشد.

جدول ۳. شاخصه‌های معانی تداوم یافته مکان. مأخذ: نگارندگان.

شاخص های معانی تداوم یافته	ابعاد		کیفیت های حاکم بر تداوم	
	تمایز در عناصر و ساختار کالبدی	کالبدی	فضا	اجزاء و ویژگی ها
تمایز در عناصر طبیعی مکان (دیده‌ها و عناصر طبیعی موجود در محیط)				
انعطاف پذیری و چند عملکردی بودن فضا				
تمایز عملکردی و فعالیتی	عملکردی- فعالیتی			
کاربست مفاهیم و روایت‌ها در ساخت و نامگذاری مکان	مفهومی			
تاثیر اقتصاد و قدرت در فرم شهری				
تواتر داشتن رویداد یا فعالیت	زمان	انسان	روابط و جایگاه	ثبات
روابط متقابل پیش بینی نشده	انسان			
روابط متقابل پیش بینی شده				
رفتارهای جمعی				
روحیه اجتماعی بافت روابط زائر - ساکن				
روحیه اجتماعی بافت روابط ساکنین				
حضور و فعالیت های روزمره در مکان		انسان - محیط	انسان - محیط	روابط و جایگاه
حضور و فعالیت های ویژه در مکان خاص				
تنوع، جذابیت و سرزندگی عملکردی				
غناي محتوایی فعالیت‌ها				
پیوستگی ساختار شهر و زندگی روزمره				
استقبال از حضور در مکان و رویداد				
خاطره انگیز بودن یا مکان حافظه	انسان-زمان	فضا- زمان	روابط و جایگاه	ثبات
تواتر داشتن رویداد یا فعالیت				
حفاظت کالبد و عملکرد بافت				
احترام به ساختارهای گذشته (غلبه فضاهای عمومی - نیمه عمومی)				
بروز کالبدی رویدادها				
دیرپایی زمانی یا تاریخی بودن				

از شاخص‌هایی هستند در ادامه، براساس شاخص‌های تداوم در هر یک از این مؤلفه‌های معنایی تحلیل صورت گرفت. بدین ترتیب روشن خواهد شد کدام شاخص معنایی از روابط انسان - فضا واجد توجه بیشتر بوده و وزن شاخص‌ها در ماندگاری ذهنی افراد به صورت کیفی مقایسه می‌شود.

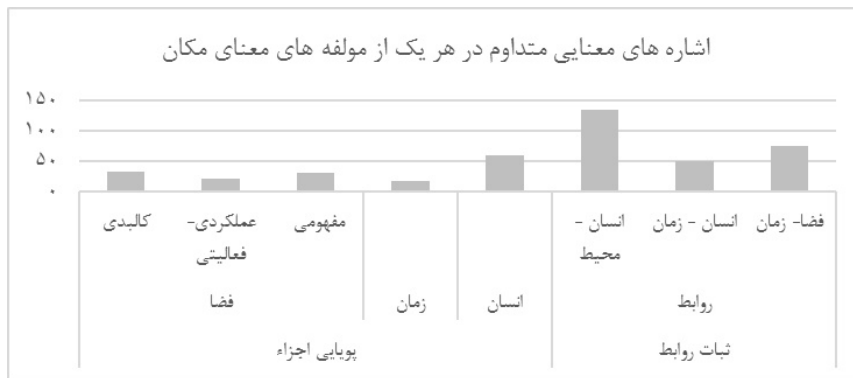
تحلیل براساس شاخص‌های حاکم بر تداوم معانی در شاخص‌های مرتبط با مؤلفه معنایی انسان- فضا، بیشترین اشارات معنایی به سرزندگی و جذابیت عملکردی قابل توجه است. کدهای معنایی تداوم یافته در مصاحبه‌ها از قبیل «...مردم زنده دل بودند...» و یا «...عشق خوبی هم بود...»

دیگر سو، تأییدکننده اهمیت هویت ترکیبی و تغییرپذیری در ارتباط با عناصر ماندگار است طوری که تغییرات آن بسیار زیاد نباشد.

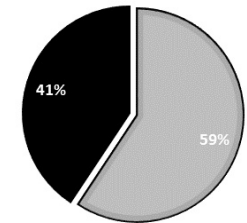
در ادامه، ابعاد مختلف هر یک از کیفیت‌های حاکم بر مؤلفه‌های معنایی بررسی شد. به این منظور، از درصد مجموع اشارات معنایی به تفکیک مؤلفه‌های معنای مکان، نموداری تهیه شد (نمودار ۴). همانطور که قابل مشاهده است بیشترین مؤلفه معنایی مورد اشاره، روابط انسان- فضا بوده است. پس از آن، رابطه فضا- زمان مورد توجه بوده است. از آنجاکه هر یک از این مؤلفه‌ها با توجه به اصل تداوم متشکل

محتوای فعالیت‌ها از نوع مقاومت‌هاست. بررسی جزئی نشان می‌دهد در مصادیق رویدادها، به‌طور مشخص به حوادث انقلاب اسلامی اشاره شده است. این کدهای معنایی اشاره به هویت مقاومتی افراد داشته است که پیرامون آنها معانی

تأییدکننده این موضوع هستند که عادات فضایی جمعی به‌واسطه تأثیری که در زمینه داشته‌اند در ذهن ماندگار شده‌اند. مورد دیگر، بالابودن میزان اشاره‌های معنایی به غنای

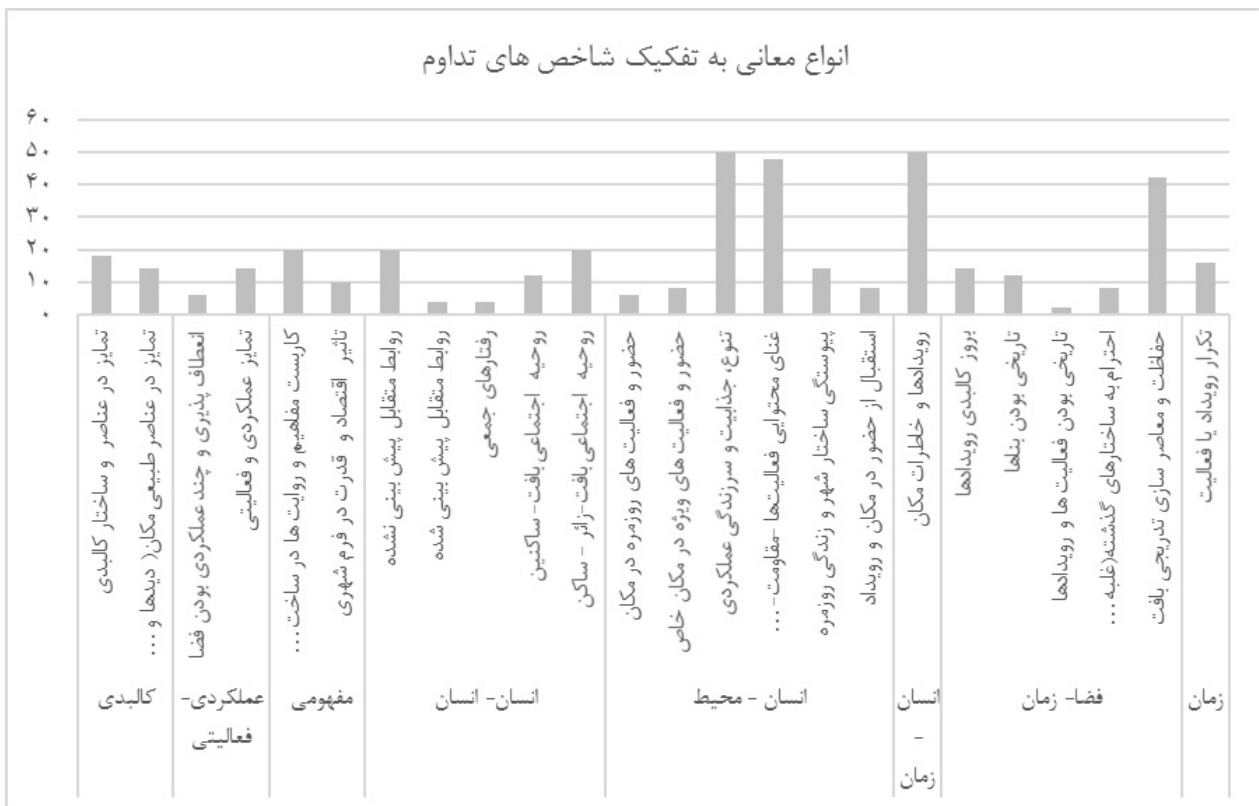


کیفیت مجموع اشاره‌های معنایی متداوم یافته عینی



نمودار ۳. مجموع اشاره‌های معنایی متداوم یافته عینی و ذهنی مرتبط با ثبات در روابط و جایگاه و پویایی در اجزاء. مأخذ: نگارندگان.

نمودار ۴. اشاره‌های معنایی متداوم در هر یک از مؤلفه‌های معنای مکان. مأخذ: نگارندگان.



نمودار ۵. انواع معنایی به تفکیک شاخص‌های متداوم. مأخذ: نگارندگان.

آن نوع از معانی است که پیرامون هویت مقاومتی مورد نظر کستلز شکل می‌یابند (Castells, 2010: 8). بنابراین، علت ماندگاری این معانی ارتباط آنها با این نوع هویت و شکل‌گیری معانی دیگر پیرامون آنها در طول زمان است. به علاوه مجموع اشاره‌ها معنایی در شاخص رویدادها و خاطرات مکان نیز قابل توجه است.

بسیاری شکل یافته است. مثال‌هایی از کدهای معنایی مرتبط با این شاخص عبارتند از: «... ۲۰۰ نفر خانم آمدن و تظاهرات کردند و رژیم همه را گرفت بعد به شوهران آنها برخورد و جرقه انقلاب زده شد...» و «...تجمعات در این فضا [فضای سبز ایجاد شده پس از احداث فلکه حضرت] صورت می‌گرفت پایان راهپیمایی‌ها در این فلکه بود که معمولاً قطع نامه‌ها و .. در این محل قرائت می‌شد». این معانی معادل

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر با هدف تبیین و تکمیل شاخص‌های تداوم معنای مکان، ابتدا مدل سه‌گانه مکان متشکل از زمان، فضا و انسان ارائه شد و سپس معنا به عنوان رابط بین مؤلفه‌های مکان و جایگاه اصول حاکم بر آن با تأکید بر تداوم معرفی شد. با توجه به اینکه مفهوم تداوم دربرگیرنده ثبات روابط و پویایی اجزاء و ویژگی‌های پدیده، به طور همزمان است، انتظار می‌رفت که ثبات روابط بین اجزای پدیده معنا، نقش بیشتری در تداوم آن داشته باشند. نتایج تحلیل‌های اولیه این انتظار را تأیید کردند که روابط بین اجزاء پدیده مکان نقش بیشتری در ماندگاری و تداوم ذهنی معنای مکان دارند. اگرچه تحلیل تداوم عینی، این مقوله را تأیید نمی‌کند که خود، نشان‌دهنده گسست عینیت و ذهنیت و بروز بحران در جریان پیوسته معناست. این نتیجه منطبق بر ادبیات مرتبط با مفهوم تداوم است که ثبات «تم ناپیدا» یا روابط بین اجزاء را در ادراک تداوم، مهم‌تر از ثبات اجزا می‌داند. نتیجه تحلیل در سطح جزئی‌تر نیز نشان داد، روابط بین دو جزء انسان و فضا به عنوان اجزای مکان، بیشتر مورد تأکید است. رابطه انسان- فضا خود دربرگیرنده شاخص‌های متعددی است که در این میان، دو شاخص سرزندگی عملکردی و غنای محتوایی فعالیت‌ها واجد بیشترین اشارات معنایی بود. به نظر می‌رسد سرزندگی عملکردی به علت تأثیر مستقیمی که بر زمینه دارد واجد بیشترین تداوم ذهنی بوده است و غنای محتوایی فعالیت‌ها که بیشتر از نوع مقاومتی بودند بسیار به مفهوم هویت مقاومتی کستلز نزدیک است که معانی پیرامون آن بازتولید شده و تداوم می‌یابند. پس از این موارد، روابط انسان- زمان در قالب شکل‌دهی به محور مستقیم زمان در شاخص مکان‌های حافظه، مورد توجه است. بنابراین به نظر می‌رسد تبیین مؤلفه‌ها و شاخص‌های تداوم معنای مکان و سنجش کیفی میزان ماندگاری ذهنی آنها، تا حدود زیادی اهمیت این شاخص‌ها را نسبت به یکدیگر در طراحی مکان روشن می‌کند و بدین ترتیب در طراحی و برنامه‌ریزی شهری مفید خواهد بود.

پی‌نوشت‌ها

۱. Dylan Trigg
۲. Interpretative phenomenological Analysis
۳. Eco
۴. Eternity
۵. Continuity
۶. Invisible Theme
۷. این اصطلاح توسط Hall با واژه Hidden Nature به کارگرفته می‌شود و بیانگر آن کلیتی است که توسط ذهن درک می‌شود.
۸. Lived experience
۹. Redundancy

فهرست منابع

- بابک معین، مرتضی. ۱۳۹۴. معنا به مثابه تجربه زیسته؛ گذر از نشانه‌شناسی کلاسیک به نشانه‌شناسی با رویکرد پدیدارشناسی. تهران: انتشارات سخن.
- راپاپورت، آموس. ۱۳۹۱. معنی محیط ساخته شده- رویکردی در ارتباط غیرکلامی. ت: حبیب، فرح. تهران: انتشارات پردازش و برنامه‌ریزی شهری تهران.
- شعیری، حمیدرضا، و آریانا، دینا. ۱۳۹۰. چگونگی تداوم معنا در چهل نامه کوتاه به همسر از نادر ابراهیمی. فصلنامه علمی-پژوهشی نقد ادبی، (۱۴): ۱۸۵-۱۶۱.

- شولتز، کریستین نوربرگ. ۱۳۸۲. معماری، معنا و مکان. ت: ویدا نوروزبرازجانی. تهران: نشر جان جهان.
- ظهور، علیرضا و حسن کریمی. ۱۳۸۲. اطلاعات در مطالعات کیفی. فصلنامه اصول بهداشت روانی، (۱۹-۲۰): ۱۱۳-۱۰۷.
- علی‌الحسابی، مهران و چریگو، نصیبه. ۱۳۹۴. بازخوانی و تبیین ارتباط معنی و هویت مکان. معماری و شهرسازی ایران، (۹): ۱۰۳.
- فکوهی، ناصر. ۱۳۸۳. انسان شناسی شهری. تهران: نشر نی.
- کارمونا، متیو، تیم هیت و تنراکواستیون تیسدل. ۱۳۸۶. مکان‌های عمومی، فضاهای شهری: ابعاد گوناگون طراحی شهری. ت: قرائی، فریبا و همکاران. تهران: دانشگاه هنر.
- لینچ، کوین. ۱۳۷۲. سیمای شهر. ت: منوچهر مزینی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- محمدپور، احمد. ۱۳۹۲. روش تحقیق کیفی ضد روش (منطق و طرح در روش شناسی کیفی). تهران: جامعه شناسان.
- نقره‌کار، عبدالحمید، حمزه نژاد، مهدی و فروزنده، آيسان. ۱۳۸۸. راز جاودانگی آثار معماری. باغ نظر، ۶ (۱۲): ۴۳-۳۱.
- Barkley, J. (2008). *Making sense of place according to lived experience. Connecting Decision-making with Sense of Place Workshop*. Illinois: Department of Recreation, Sport and Tourism, University of Illinois.
- Barkley, James, R. & Kruger, L. (2013). Place meanings as lived experience. In *Place-based conservation: perspective from social sciences*, by Stewart, P., et al. Dordrecht: Springer.
- Canter, D. (1997). *The facets of place*. In *Advances in Environment, Behavior and Design*, Vol. 4: Towards the Integration of Theory, Methods, Research, and Utilization, by GT Moore and RW Marans. New York: Permum press.
- Chandler, Daneil. (2007). *Semiotics the basics*. London: Routledge.
- Casey, E. (2004). Public memory in place and time. In *Phillips, K; Public Memory*. Alabama: University of Alabama Press.
- Castells, M. (2010). *Power of Identity, second edition*. Oxford: Wiley-Blackwell publication.
- Cresswell, T. (2009). Place. In *International Encyclopedia of Human Geography, by K Rob and T Nigel*. Oxford: Elsevier.
- Creswell, J.W. (1998). *Research design: Qualitative, quantitative, and mixed methods approaches*. Thousand Oaks: Sage.
- Eco, E. (1968). Function and sign: semiotics in architecture. In *city and the sign: An Introduction to Urban Semiotics, in M Gottdiener. A Lagopoulos*. New York: Columbia University press.
- Ghavampour, E., Brenda, V. & Aguila, M. D. (2015). *Theory of Place in Public Space*. Available from: www.sustasis.net/Ghavampour-Vale-Aguila2.pdf. Accessed 2 March 2017
- Gibson, J. (1950). *The perception of the visual world*. Boston: Houghton Mifflin.
- Gustafson, P. (2000). Meaning of Place; everyday Experience and Theoretical conceptualizations. *Juornal of Environmental Psychology*, (21): 5-16.
- Hall, D. G. (1998). Continuity and the Persistence of Objects: When the Whole is greater than the sum of the parts. *COGNITIVE PSYCHOLOGY*, (37): 28-59.
- Lefebvere, H. (2004). *Rhythmanalysis; space, time and everyday life*. London: Continuum.
- Martsin, M. (2012). On mind, mediation and meaning-making. *Culture & Psychology*, 18 (3): 425-440.
- Patton, M. (2002). *Qualitative Research & Evaluation Methods*. London: Sage.
- Relph, . (1976). *Placeand Placelessness*. London: Pion.
- Seamon, D. & Gill, H. (2014). Qualitative Approaches to Environment-Behavior Research: Understanding Environmental and Place Experiences, Meanings, and Actions, chapter 6 in *Research Methods in Environment-Behavior Research*. Gifford, R. (ed). New York: Wiley/Blackwell.
- Trigg, D. (2014). Monuments of memory. In *The Memory of Place*, Trigg, D. Ohio: Ohio University Press.